



درآمد:

به رغم تمایل ما برای گفت و گوئی حضوری با دکتر صفارزاده، مشغله های فراوان ایشان، امکان چنین مصاحبه ای را از ما گرفت. با این همه ایشان پاسخ مکتوب هر چند مختصری را به سئوالات ما ارسال داشتند و احساس خود نسبت به مرحوم آیت الله طالقانی را به شعر ارزشمندی که در پی سخنرانی کاخ سعد آباد ایشان سروده بودند، ارجاع دادند،

با این امید که در فرصت فراخ تری به گفت و گو با ایشان پردازیم.

■ پاسخ های مکتوب دکتر طاهره صفارزاده
به پرسش های شاهد باران

می گفتند: «شعر شما در زندان به ما روحیه می داد...»

جامعی به این پرسش شماس.

همه به مستقیم می اندیشد در راه
همه به مستقیم می اندیشد در خط
میانه روها
زیاده روها
کناره روها
همه به راه می اندیشد
و او به مستقیم می اندیشد
به خط صادقانه ترین بودن
امام به چاه سخن می گوید
و گریه می کند در چاه
و جان کوچک تاریخ
چاه همیشگی تکرار است
برای گریه های عظیم
برای گریه های امامان
و چون به بند و خطبه می آغازد
از ارتفاع آفتاب صدایش
خروش مهر و خرد می بارد
و سرزمین ظلم
و سرزمین نحس
بدل می شود به سعدآباد
و فرد بدل می شود
به جمعیت
و چشم بدل می شود
به بینایی
و انسان می بیند
که خودبینی
چه جانور بی مغزی است
و می بیند
که بر فراز شانه های زخمی او
چه بارهای بزرگی نشسته است
بار شکایت همه مظلومان
بار تسلی همه محرومان
بار هدایت همه بی باوران
بار شمامت همه بد خواهان
بار امامت همه تنهائیان
غروب ۲۱ رمضان،

پس از شنیدن سخنرانی آیت الله طالقانی از کاخ سعد آباد

همت استادانی که از من مجری تقاضای حق التدریس نمی کردند؛ سیصد هنرجو با اصول هنری روز آشنا شدند و پس از سپری شدن دوران «نهضت» به خدمت «انقلاب» درآمدند و نام آن هم به «حوزه هنری» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی تغییر یافت.

از سلوک سیاسی و اخلاقی ایشان چه خاطراتی دارید؟

ایشان یک روحانی روشن بین با ذهنیت آگاه و جهان بینی وسیع بودند. دین را برای ساختن انسان می خواستند نه انسان را برای دین. من طی چند جلسه، با طرح سؤالاتی درباره موضوع لزوم تطابق دادن برخی از رساله های فقهی که فهم دین را مشکل کرده اند با مقتضیات روز، نظرشان را جویا شدم و ایشان در پاسخ با سعه صدر تصدیق کردند که این کوشش فرهیخته باید با همکاری روشنفکران دینی و علمای واقع بین و صاحب نظر انجام شود.

مثلاً از جمله پرسش های من این بود که چرا حکم زکات که در ۲۶ آیه قرآن همراه حکم نماز آمده و معرف حکمت الهی در اهمیت توازن بین زندگی معنوی و مادی انسان است؛ به دلایل واهی مورد بی اعتنایی قرار گرفته است؟ از حقوق ناکافی یک مسلمان عیالوار کسر می شود و ثروتمندان که برخی چند میلیارد در بانک ها و سرمایه گذاری های کلان، پشتوانه زندگی شان است، به بهانه این که جوو کشمش و گندم و گاو و گوسفند (چیزهایی که در حکم زکات قرن ها پیش آمده) ندارند، خود را از پرداخت زکات معاف می دارند و جامعه اسلامی دچار اختلاف طبقاتی و استقراض خارجی روز افزون تری می شود؟

اشعاری که برای ایشان سروده اید؛ چه ویژگی ها و مضامینی دارند؟

خاتم صفارزاده آشنایی شما با مرحوم آیت الله طالقانی از چه موقع آغاز شد؟

در زمانی که از دانشگاه اخراج شدم، جوان هایی که ذوق هنری داشتند به منزل من می آمدند و آثارشان را برای بررسی و نقد در اختیار می گذاشتند. بعد از مدتی متوجه شدم آنهایی که عرق مذهبی دارند؛ کمتر به مطالعه ادبیات اجتماعی مدرن توجه می کنند و بیشتر به تکرار مدح و نعت اولیاء و با مضامین حماسی دل سپرده اند و از تکنیک های هنری کمتر سراغ گرفته اند. تصمیم گرفتم مرکزی برای آموزش های هنرهای مختلف و نقد و بررسی هنر با دیدگاه اسلامی ایجاد کنم. فکرم را با آقای گرمارودی در میان گذاردم. ایشان پیشنهاد کرد که برای انتخاب نویسندگان و هنرمندان مسلمان در تشکیل چنین کانونی، سراغ آقای طالقانی بروم. ایشان تازه از زندان آزاد شده بودند. با محبت و بزرگواری خاصی ما را پذیرفتند و به من جمله ای دلنشین را فرمودند که هرگز از یادم نمی رود. گفتند، «خانم صفارزاده! به جدم قسم شعر شما در زندان به ما روحیه می داد.» از ایشان تشکر کردم و نظرشان را درباره تأسیس مرکزی با نام «کانون فرهنگی نهضت اسلامی» جویا شدم. ایشان هم لزوم آن را تأیید کردند و هم همکاری افرادی را پیشنهاد دادند. البته بعداً آقای گرمارودی گفتند، «سری هم برویم خدمت شهید باهنر.» ایشان هم در معرفی دعوت از افراد اهل قلم سرشناس مسلمان، همراهی ارزشمندی کردند و به لطف خداوند، در این کانون فرهنگی، هر چند با دست خالی از امکانات مادی، در رشته های عکاسی، سینما، تئاتر، گرافیک، نقد شعر و داستان به

